

یادداشت مترجم

ماجرای ترجمه‌ی این کتاب از جلسات داستان‌خوانی زنده‌یاد کورش اسدی شروع شد. آن موقع جولین بارنز تازه جایزه‌ی بوکر را برای آخرین کتابش برده بود. من آن کتاب را خریدم و خواندم و واقعاً لذت بردم. قصد داشتم ترجمه‌اش کنم که گفتم قبلش با آقای اسدی مشورتی بکنم. او به من گفت معروف‌ترین اثر این نویسنده طوطی فلور است که سال‌ها پیش منتشر شده و در زمان خودش انقلابی در رمان‌نویسی پست‌مدرن به شمار می‌آمده است. می‌گفت هوشنگ گلشیری مرتب از این کتاب یاد می‌کرد. خلاصه کتاب را خریدم و دو روزه خواندم و تصمیم گرفتم ترجمه‌اش کنم.

ترجمه‌ی این کتاب کار سختی بود. آن قدر لایه‌های پنهان و اشاره‌های بینامتنی داشت که نمی‌توانستم سرسری از کنارشان بگذرم و گاه ساعت‌ها معنای یک اصطلاح یا ارجاع را جست‌وجو می‌کردم. بیش‌تر کتاب‌هایی که در متن از آن‌ها نامی برده شده خواندم و از ترجمه‌های فرانسه و اسپانیایی هم کمک گرفتم. ترجمه را در جلسات داستان‌خوانی می‌خواندم و دیگران نظر می‌دادند، چه از نظر زبان و لحن و چه دقت ترجمه. کار که تمام شد، همسر، احمدعلی فرهودی، که تسلط بسیار خوبی به زبان انگلیسی و فرانسه دارد، این ترجمه را نیز مثل کتاب‌های قبلی‌ام خواند و با متن اصلی مقابله کرد. سر آخر هم مهدی نوری و علیرضا اسماعیل‌پور، با دلسوزی و دقتی بی‌مانند، زحمت بسیاری برای ویرایش کتاب کشیدند.

